سه‌شنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۴
شماره ۴۴۷۶
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

ابعاد زلزله‌ای به نام افشای مشخصات خلبان‌های صهیونیست

موش‌های پرنده زیر ذرّه‌بین

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

در روزهای اخیر و در بحبوحه افزایش آتش‌سوزی‌های بزرگ در بافت‌های مسکونی و پایگاه‌های رژیم صهیونی، خبری منتشر شد که نشان می‌داد برای نخستین‌بار تصاویر و اطلاعاتی مرتبط با تعدادی از خلبانان نیروی هوایی رژیم صهیونی که در جنگ ۱۲ روزه علیه ایران مشارکت داشته‌اند، افشا شده است. پس از این رخداد، روزنامه صهیونیستی «اسرائیل هیوم» با اشاره به انتشار تصاویری از یک خلبان زن نیروی هوایی اسرائیل در رسانه‌های ایرانی نوشت: «تلویزیون ایران در گزارشی، هویت این خلبان زن را فاش کرده و اطلاعاتی از جمله درجه نظامی، نقش عملیاتی و شماره اسکادران او را منتشر کرده است.» این روزنامه در ادامه تأکید کرده که «هنوز مشخص نیست مقامات ایرانی این تصاویر و اطلاعات را چگونه به دست آورده‌اند.» بر اساس یک داستان تأیید نشده قدیمی، ایران دهه‌ها زمان گذاشت تا صدها خلبان نیروی هوایی رژیم بعث عراق را که در جنگ ۸ ساله دست به بمباران ایران‌زده بودند، تعقیب کرده و از بین ببرد. برخی از این افراد در کشورهای مختلف و با گذشت زمان قابل توجهی از پایان جنگ، حذف شدند. صهیونیست‌ها بیمناک هستند که وارد یک روند انتقام‌جویانه طولانی‌مدت با ایران شوند که خارج از ظرفیت و توان رژیم صهیونی باشد.

ارزیابی قوای رژیم صهیونی

نیروهای عمل‌کننده رژیم صهیونی در طول ۲۲ ماه جنگ با محور مقاومت در عرصه‌های مختلف شامل ۴ بخش عملیاتی ارتش به شمول نیروی زمینی، هوایی، دریایی و پدافند، ۳ بخش اطلاعاتی به شمول اطلاعات داخلی (شاباک)، اطلاعات خارجی (موساد) و اطلاعات ارتش (امان) به همراه یک بخش امنیتی یعنی پلیس که در مجموع ۸ شاخه می‌شوند، آسیب‌هایی دید.

نیروی زمینی در جریان جنگ در غزه متحمل خساراتی در حد ۲ الی ۳ لشگر کشته و مجروح شده و بیشترین لطمات را دیده است. ۱۸ هزار و ۵۰۰ مجروح و نزدیک به یک هزار کشته تلفات این نیروست.

نیروی هوایی در جنگ با لبنان در حد هدف قرار گرفتن پایگاه‌های هدایت و کنترل پرواز مانند پایگاه میرون آسیب دید و طی درگیری‌ها با ایران در سه عملیات وعده صادق شاهد حمله به پایگاه‌های هوایی، بخش‌های آموزشی و زنجیره نگهداری بود.

نیروی دریایی صرفاً در زد و خورد با لبنان آنگونه که گفته می‌شود به شکل غیرمستقیم آسیب دید که در یک واقعه موشک رهگیر تامیر از سامانه گنبد آهنین به یک قایق کوچک گشتی برخورد کرد.

پدافند هوایی براساس برخی نقل‌های تأیید نشده در برخی مواضع گنبد آهنین در اطراف غزه در روز ۷ اکتبر آسیب دید، در زدوخوردها با لبنان، پایگاه پدافندی شمر مورد حمله قرار گرفت و یک بالن جاسوسی مخصوص مقابله با پهپادها آسیب دید، در جریان عملیات وعده صادق ۲ رادار سامانه‌های پیکان مورد اصابت قرار گرفت و در مجموع در طول درگیری‌های مختلف به دلیل پرتاب‌های متعدد دچار کمبود موشک‌های درگیر و خستگی تجهیزات شد.

موساد شاهد هدف قرار گرفتن و تهدید چندباره ساختمان‌های خود توسط ایران و لبنان با موشک، پهپاد و عملیات شهادت‌طلبانه بود. شاباک کشته شدن نیروها و هک اطلاعات نیروهایش را تجربه کرد. امان و یگان ۸۲۰۰ آن هم متحمل خسارات در حملات به پایگاه‌های‌شان شدند. پلیس نیز در جریان ۷ اکتبر و عملیات‌های شهادت‌طلبانه تعدادی از نیروهای خود را از دست داد.

در یک برآورد کلی مهم‌ترین و مؤثرترین شاخه نیروی هوایی، بیشترین تلفات مربوط به نیروی زمینی، نیروی کم اهمیت سالم مانده نیروی دریایی و نیروی مهم کمتر آسیب دیده اطلاعات داخلی (شاباک) بوده‌اند.

نیروی هوایی اما تمام قدرت تهاجمی رژیم صهیونی در برابر ایران و بخش مهمی از دفاع آن است؛ بدون آن اطلاعات موساد و برنامه‌ریزی‌های آمان اهمیت بسیار کمی دارند زیرا ابزار هدف‌گیری آن‌ها نیروی هوایی است.

در خصوص ترورها، موساد گرچه در هدف‌یابی مؤثر عمل کرد اما قادر به اجرای عملیات‌های ترور نبود و عمده اقداماتش شکست خوردند که طی آن ده‌ها عملیات ترور مقامات سیاسی و نظامی خنثی شد. از سوی دیگر عوامل میدانی که از اتباع خارجی جذب شده بودند، بیشتر از آنکه دستپخت موساد باشند، حاصل ورود ناتو به میدان جنگ بودند. از این رو نیروی هوایی حتی غیرقابل مقایسه با موساد، پیشانی اصلی قوای رژیم صهیونی است.

بدون جنگنده‌های نیروی هوایی، نیروی زمینی فاقد پشتیبانی و قدرت پیشروی و تثبیت است و پدافند هوایی رژیم نیز که در برابر پهپادها دارای مشکل است، دچار نفوذپذیری می‌شود. موساد نیز قادر به بهره‌برداری از اطلاعات کسب شده برای عملیات نخواهد بود.

دشواری‌های ضربه به نیروی هوایی رژیم

ضربه به نیروی هوایی رژیم صهیونی به آسانی قابل اجرا نیست. نیروی هوایی رژیم صهیونی از نیروهای هوایی آمریکا، روسیه، چین و هند ضعیف‌تر است؛ اما در مقام پنجم جهان قرار داشته و با نیروی هوایی انگلیس و فرانسه مقایسه می‌شود.

۱ حضور پررنگ و حیثیتی آمریکا

وضعیت نیروی هوایی رژیم صهیونی از نظر تسلیحات مورد استفاده و آموزش‌ها بسیار خاص‌تر از دیگر شاخه‌هاست. نیروی دریایی در کنار واردات زیردریایی‌های خود از آلمان، ناوهایش در سری‌های «ساعر» را خود تولید می‌کند. نیروی زمینی استفاده‌کننده تانک‌های «مرکاوا» و نفربرهای «نمر» ساخت داخل است و تنها در حوزه توپخانه دارای توپ‌های قدیمی آمریکایی و بولدوزرهای زرهی شرکت کانادایی کاترپیلار است. در مقابل اما نیرویی هوایی در تسلیحات آمریکایی اما در برخی تجهیزات مانند غلاف‌های جانبی جنگ الکترونیک و شناسایی و مهمات از تولیدات رژیم صهیونی استفاده می‌کند.

استفاده از تسلیحات آمریکایی به این معناست که مستشاران آمریکایی به طور مداوم برای بهره‌برداری از آن‌ها در کنار جنگنده‌ها قرار دارند و احتمالاً یکی از شرایط فروش، استخدام انحصاری در بخش‌های خاص نیروی هوایی، از صهیونیست‌های دارای شهروندی آمریکا بوده است.

از سوی دیگر ضربه به برخی از تسلیحات جدید آمریکایی فراتر از میدان جنگ، تبعاتی دارد که باعث تحریک واشنگتن می‌شود. به عنوان نمونه ساقط شدن جنگنده نسل پنجم و رادارگریز اف-۳۵ توسط ایران که از سامانه‌های پدافندی در حد تولیدات روسیه و چین برخوردار نیست، یک بی‌آبرویی تمام عیار برای آمریکاست.

در اینجا باید جایگاه اف-۳۵ را به خوبی شناخت. پروژه ساخت این جنگنده با بودجه ۱/۶ تریلیون دلاری، گران‌ترین پروژه نظامی تاریخ آمریکاست. درحال حاضر قرار است این جنگنده در نیروی هوایی و دریایی، جایگزین تمام جنگنده‌های موجود از اف-۱۶ و اف-۱۵ گرفته تا اف-۱۸ بشود. همچنین آمریکا درحال خارج کردن اف-۲۲ از چرخه عملیاتی است. از این رو اف-۳۵ پایه عملیاتی نیروی هوایی آمریکا و متحدانش خواهد بود و در شرایط کنونی که ابتدای ورود آن به خدمت است، ضربه‌پذیری‌اش باعث کاهش فروش آن در بازارها می‌شود.

شاید یکی از دلایل مبهم ماندن قضیه ساقط شدن جنگنده‌های اف-۳۵های رژیم صهیونی توسط ایران در جنگ ۱۲ روزه، این مسئله مهم باشد. اگر تصاویری قطعی از انهدام‌ها منتشر می‌شد، جنگ و ماجراهای آن به سمت‌وسوهای ناشناخته‌ای می‌رفت.

۲ نیاز به حجم بالای سلاح

ایران در طول جنگ بر اساس آمارهای منتشر شده توسط رژیم صهیونی ۵۹۱ موشک و ۱۰۵۰ پهپاد به سمت سرزمین‌های اشغالی پرتاب کرد. با توجه به فاصله زیاد، بسیاری از پهپادها قابل رهگیری‌اند و از سوی دیگر به دلیل وزن محدود کلاهک‌ها و سرعت اصابت پایین‌تر این موشک‌ها به دلیل تصمیم نظامیان ایران، خسارت‌های مؤثری به پایگاه‌های هوایی مستحکم شده وارد نمی‌کنند. ایران بنابه دلایلی تصمیم گرفته بود از موشک‌های خاص و سنگین خود در نبرد استفاده نکند.

از میان موشک‌ها نیز برخی در میانه راه دچار مشکل شده و یا توسط پدافند منهدم می‌شوند. با این‌حال حتی اگر تمام ۵۹۱ موشک به سمت یک پایگاه هوایی پرتاب می‌شدند، با توجه به کلاهک‌های ۳۰۰ و ۵۰۰ کیلوگرمی و یک تنی، حداکثر ۲۵۰ تا ۵۰۰ تن موارد منفجره به یک پایگاه اصابت می‌کرد.

این موشک‌ها اگر به سمت یک پایگاه پرتاب شوند، باید دقت بسیار بالایی داشته باشند، زیرا بایستی استحکامات زیرزمینی این پایگاه‌ها به دقت آسیب ببینند. بر این اساس برای نابودی دو الی سه پایگاه هوایی اصلی رژیم صهیونی از جمله نواتیم، به نزدیک ۱۲۰۰ الی ۱۵۰۰ موشک بالستیک، با کلاهک‌های سنگین و با دقت بسیار بالا لازم است.

۳ جابه‌جایی‌ها

هر حمله بزرگ به پایگاه‌هایی هوایی رژیم صهیونی نیازمند آمادگی‌های گسترده‌ای است که توسط ماهواره‌ها و دستگاه‌های جاسوسی قابل کشف هستند. از این رو صهیونیست‌ها با به پرواز درآوردن جنگنده‌ها، منتقل کردنشان به استحکامات زیرزمینی یا کشورهای دیگر، از نابودی ناوگان خود جلوگیری می‌کنند.

۴ از بین رفتن بازدارندگی و رفتن به سمت سلاح نامتعارف

رژیم صهیونی در فقدان نیروی هوایی، بازدارندگی‌اش از بین می‌رود و پس از آن وارد مرحله تهدید و به کارگیری تسلیحات نامتعارف می‌شود.

راه‌های مقابله

سه راه عمده برای مقابله با نیروی هوایی رژیم صهیونی پیش روی محور مقاومت و ایران قرار دارد که باید به دقت آن‌ها را بررسی کرد.

۱ مهار

مهار نیروی هوایی رژیم صهیونی بیشتر به معنای کنترل اقدامات آن است. کنترل اقدامات نیز از مسیر پدافند هوایی می‌گذرد که با ناامن‌سازی آسمان، مانع از موفقیت حملات هوایی می‌شود.

۲ حذف

حذف نیروی هوایی به معنای نابودی امکانات و تجهیزات آن است که به قدرت هجومی کم‌سابقه‌ای به همراه قبول ریسک بالا نیاز دارد.

۳ اختلال

اختلال به معنای اشکال تراشی در زنجیره نیروی هوایی رژیم صهیونی است تا از شکل عملیاتی خارج شود. اقدامات ایران در طول جنگ در هدف قرار دادن مراکز مرتبط با نگهداری جنگنده‌ها بر این اساس صورت گرفتند.

ارزیابی راه‌های مقابله

راه مهار و حذف نظامی‌اند اما راه اختلال از دو مسیر نظامی و امنیتی قابل پیگیری است. ضربات نظامی در ایام جنگ یا دوره‌های زد و خورد قابل پیگیری است؛ اما تحرکات امنیتی را می‌توان همواره دنبال کرد.

راه مهار و حذف که با ابزار نظامی قابل پیگیری هستند جغرافیای خاص خود را دارند؛ اولی در سرزمین خودی با پدافند و دومی در سرزمین‌های اشغالی و خاک دشمن با تسلیحات تهاجمی. اختلال اما جغرافیایی بزرگ‌تر دارد. در اختلال، محیط خودی به کار نمی‌آید، اما خاک دشمن و متحدانش محل فعالیت هستند. از این رو گرچه محیط خودی کنار می‌رود، اما با افزوده شدن خاک متحدان رژیم صهیونی، عرصه جغرافیایی گسترش می‌یابد.

پیگیری راه اختلال از مسیرهای ترکیبی به ویژه امنیتی مزیت‌هایی برای ایران دارد زیرا پس از ضربات نظامی باید آماده تهاجم دشمن شد؛ اما تحرک امنیتی عمدتاً از پاسخ نظامی مصون است. در پاسخ امنیتی می‌توان از تمام ظرفیت شامل اضلاع مقاومت در منطقه و دوستداران در سراسر جهان بهره گرفت؛ اما در ضربه نظامی همیشه این امکان وجود ندارد.

اختلال در نیروی هوایی

اختلال در عملکرد نیروی هوایی رژیم صهیونی شاخه‌های متعددی دارد. در حوزه نظامی، با پرتاب پهپادها در طول جنگ تلاش شد تا نیروی هوایی مجبور شود برای رهگیری پهپادها جنگنده‌هایی را برای گشت‌زنی و رهگیری به پرواز درآورد که به معنای کاسته شدن از توان تهاجمی این نیرو بود؛ زیرا بخشی از جنگنده‌های مأمور به تهاجم، راهی مأموریت دفاعی شدند.

اقدام بعدی نیز نظامی بود که طی آن پایگاه‌های هوایی مورد حمله موشکی قرار گرفتند. همچنین با موشک بخشی از زنجیره نیروی هوایی خارج از فرودگاه‌ها مورد هدف قرار گرفتند.

بخش امنیتی ماجرا اما ریشه در پیش از جنگ نیز دارد. پس از عملیات ۵ آبان ۱۴۰۳ نیروی هوایی رژیم صهیونی علیه ایران، اخباری منتشر شد که حکایت از طراحی برای ترور فرمانده پایگاه هوایی نواتیم داشت. این ضلع، به‌کارگیری شگردهای امنیتی برای اختلال در عملکرد نیرویی هوایی را نشان می‌دهد.

پس از جنگ ۱۲ روزه نیز خبرهایی درخصوص تمرکز ایران بر شناسایی نام خلبانان مشارکت‌کننده در حمله منتشر شده است که اقدامی در راستای شیوه‌های امنیتی برای اختلال است.

آیا تهدید خلبانان راهگشاست؟

رژیم صهیونی با دست زدن به ترور فرماندهان و افسران، خود زمینه چنین ترورهایی را گشوده است. از سوی دیگر خلبانان افرادی در دسترسند. آن‌ها در طول خدمت از پایگاه خارج شده و به سفرهای داخلی و خارجی می‌روند و پس از بازنشستگی نیز سطح حفاظتشان کاهش می‌یابد؛ درحالی که در همان موقع، طرف خواهان انتقام منتظر اوست. تعداد جنگنده‌های رژیم صهیونی ۴۰۰ تا ۴۵۰ فروند است که نمونه‌های اف-۱۶ و اف-۳۵ تک سرنشین و اف-۱۵ها دوسرنشین هستند. به طور معمول برای هر صندلی در جنگنده‌ها، به طور کلی تا ۲ خلبان آموزش می‌بینند. این مسئله حکایت از آن دارد که تعداد خلبانان کنونی رژیم بین ۱۰۰۰ تا ۱۱۰۰ نفر هستند. علاوه بر خلبانان که هدف اصلی‌اند، باید نظامیان حاضر در دیگر بخش‌های اطلاعاتی و نگهداری را هم درنظر گرفت. زمان آموزش خلبانان طولانی بوده و حذف آن‌ها در حین خدمت، از نظر مالی و آمادی نیروی هوایی رژیم را تحت فشار قرار می‌دهد. همچنین ورود نیروی هوایی به دایره انتقام‌جویی طولانی‌مدت و پیگیرانه، از تمایل به خدمت در آن می‌کاهد.

اپوزیسیون راه‌های مختلف ضربه به ایران را امتحان می‌کند، این قسمت حمله به صادرات ایران

وطن‌فروشی ترکیبی

علی مزروعی
خبرنگار گروه سیاست

با بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید و آغاز دور دوم ریاست‌جمهوری سیاست‌های تهاجمی خود را علیه ایران تشدید کرده است. که در ابتدا بر به صفر رساندن صادرات نفت ایران متمرکز بود، اکنون دامنه‌ای فراتر یافته و بخش‌های دیگر اقتصاد ایران، به‌ویژه صادرات محصولات کشاورزی را هدف قرار داده است. این رویکرد، بیش از آنکه صرفاً به دنبال کاهش درآمدهای اقتصادی ایران باشد، اهداف استراتژیک عمیق‌تری را دنبال می‌کند. هدف اصلی این کمپین‌ها، تضعیف پیوندهای اقتصادی و سیاسی ایران با کشورهای منطقه و جلوگیری از شکل‌گیری یک همگرایی منطقه‌ای است که می‌تواند موازنه قدرت در خاورمیانه را به نفع ایران و به ضرر اسرائیل تغییر دهد. کمپین‌های تحریمی علیه ایران، چه در حوزه نفت و چه در بخش کشاورزی، نشان‌دهنده تلاشی واکنشی از سوی غرب و اپوزیسیون ایران برای جلوگیری از تقویت جایگاه ایران در منطقه است. با این حال، این تلاش‌ها تاکنون با موفقیت محدودی همراه بوده‌اند. افزایش صادرات نفت ایران دلیلی واضح برای اثبات محدودیت‌های این رویکرد است. منافع اقتصادی، به‌عنوان نیروی محرکه اصلی در روابط بین‌الملل کشورهای منطقه را به حفظ و گسترش تجارت با ایران ترغیب کرده است. نزدیکی جغرافیایی و کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل ریسک فاسد شدن محصولات کشاورزی را پایین‌تر آورده و ایران را به یک شریک تجاری غیرقابل جایگزین تبدیل می‌کند. تلاش‌های تحریمی، اگرچه می‌توانند فرایند تجارت را دشوار کنند، اما به دلیل منطق اقتصادی حاکم بر روابط منطقه‌ای، قادر به توقف کامل آن نیستند. ایران، با تکیه بر مزیت‌های اقتصادی و جغرافیایی خود، می‌تواند از این فرصت برای تقویت پیوندهای منطقه‌ای و خنثی‌سازی تهدیدهای خارجی استفاده کند.

افزایش تحریم از نفت به محصولات کشاورزی نشان‌دهنده عقبگرد آمریکاست نه پیشروی

سیاست ایالات متحده برای قطع کامل صادرات نفت ایران که بلافاصله پس از آغاز دور دوم ریاست جمهوری ترامپ با صدور یادداشت اجرایی اعلام شد، با مقاومت قابل توجهی از سوی مشتریان اصلی نفت ایران به‌ویژه چین، مواجه شده است. گزارش مؤسسه تانکر ترکرز نشان می‌دهد که ایران در حال حاضر روزانه ۲ میلیون بشکه نفت خام صادر می‌کند که این رقم تقریباً چهار برابر میزان صادرات در سال ۲۰۱۹، زمان اجرای دور قبلی تحریم‌های نفتی آمریکاست. این افزایش چشمگیر، نه‌تنها نشان‌دهنده ناکامی سیاست‌های تحریمی آمریکا در حوزه نفت است، بلکه توانایی ایران در حفظ و گسترش بازارهای صادراتی خود را در برابر فشارهای خارجی برجسته می‌کند.

با ناکامی در قطع صادرات نفت، دولت آمریکا و متحدانش به سراغ هدف قرار دادن سایر بخش‌های اقتصادی ایران رفته‌اند. یکی از جدیدترین حوزه‌های مورد هدف، صادرات محصولات کشاورزی ایران به کشورهای منطقه است. مجله اکونومیست اخیراً در گزارشی مدعی شده که ایران محصولات کشاورزی خود را با برچسب کشورهای دیگر به بازارهای منطقه‌ای صادر می‌کند. این ادعا، به‌سرعت از سوی اردوگاه اپوزیسیون ایرانی مورد استقبال قرار گرفت و بهانه‌ای برای راه‌اندازی کمپین‌های رسانه‌ای با هدف مسدود کردن مسیر صادرات کشاورزی ایران شد.

این کمپین‌ها که با حمایت ضمنی دولت‌های غربی پیش می‌روند، نه‌تنها به دنبال کاهش درآمدهای اقتصادی ایران هستند، بلکه هدفی بزرگ‌تر یعنی قطع پیوندهای اقتصادی ایران با کشورهای منطقه را دنبال می‌کنند. تعاملات اقتصادی در سال‌های اخیر به عاملی برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای و تقویت همکاری‌های اقتصادی تبدیل شده است. این پیوندها، به‌ویژه در حوزه کشاورزی، به کشورهای همسایه امکان داده تا وابستگی خود به منابع گران‌قیمت اروپایی و آمریکایی را کاهش دهند و به منبعی مقرون‌به‌صرفه در منطقه دسترسی داشته باشند.

تلاش برای تضعیف همگرایی منطقه‌ای

کمپین‌های تحریمی علیه صادرات محصولات کشاورزی ایران، فراتر از اهداف اقتصادی، به دنبال تضعیف پیوندهای استراتژیک ایران با کشورهای منطقه است. این پیوندها، در سال‌های اخیر، به کاهش تهدیدسازی علیه ایران در منطقه منجر شده و زمینه را برای شکل‌گیری یک اجماع منطقه‌ای علیه سیاست‌های تهاجمی رژیم صهیونیستی فراهم کرده است. اقدامات تنش‌زای اسرائیل در غزه و سوریه که با حمایت ضمنی ایالات متحده صورت گرفته کشورهای منطقه را وادار کرده تا فشار بیشتری بر واشنگتن برای مهار اسرائیل وارد کنند. این وضعیت، فرصتی برای ایران فراهم آورده تا در یک موضع امنیتی مشترک با سایر کشورهای منطقه قرار گیرد.

ایالات متحده و اسرائیل، از این همگرایی منطقه‌ای احساس خطر کرده‌اند. پیوندهای اقتصادی ایران با کشورهای همسایه، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند کشاورزی و انرژی، نه‌تنها به کاهش تنش‌های منطقه‌ای کمک کرده، بلکه به تقویت همکاری‌های سیاسی و امنیتی نیز منجر شده است. این همکاری‌ها، می‌توانند به یک اجماع منطقه‌ای علیه رژیم صهیونیستی منجر شوند که برخلاف تلاش‌های آمریکا برای انعقاد پیمان‌های امنیتی و تثبیت موجودیت اسرائیل در منطقه است. در نتیجه، تلاش برای قطع صادرات کشاورزی ایران به کشورهای همسایه، می‌تواند به‌عنوان تلاشی برای تضعیف این همگرایی منطقه‌ای تفسیر شود.

این رویکرد، به‌ویژه از سوی اپوزیسیون ایرانی، در ادامه ناکامی‌های پیشین آن‌ها در سال‌های اخیر قابل تحلیل است. این ناکامی‌ها، اپوزیسیون را به سمت اتخاذ استراتژی‌های تکراری سوق داده است. این استراتژی، اگرچه با حمایت رسانه‌ای غرب همراه شده، اما به دلیل منطق اقتصادی حاکم بر تجارت منطقه‌ای، با موانع جدی مواجه است.

درس‌هایی از نفت

سیاست‌های تحریمی ایالات متحده علیه ایران، به‌ویژه در حوزه نفت، نمونه‌ای روشن از ناکامی‌های این رویکرد است. علی‌رغم تلاش‌های گسترده دولت ترامپ برای قطع صادرات نفت ایران، از جمله سفرهای مقامات آمریکایی به چین برای متقاعد کردن این کشور به توقف خرید نفت از ایران، نتایج به نفع واشنگتن رقم نخورده است. گزارش مؤسسه تانکر ترکرز نشان می‌دهد که ایران نه‌تنها توانسته صادرات نفت خود را حفظ کند، بلکه این صادرات را به میزان قابل‌توجهی افزایش داده است. این موفقیت، ریشه در منطق اقتصادی دارد. فشارهای سیاسی، زمانی که با هزینه‌های اقتصادی بالا همراه باشد معمولاً با مقاومت مواجه می‌شود.

نمونه مشابه این مقاومت را می‌توان در موضع هند در قبال تحریم‌های نفتی روسیه مشاهده کرد. علی‌رغم ادعای ترامپ مبنی بر موافقت هند با قطع واردات نفت از روسیه، دهلی‌نو این سیاست را نپذیرفته و به ادامه. این مقاومت، نشان‌دهنده محدودیت‌های قدرت آمریکا در دیکته کردن سیاست‌های اقتصادی به سایر کشورهاست. در حوزه کشاورزی نیز، منطق مشابهی حاکم است. کشورهای منطقه، به دلیل نزدیکی جغرافیایی و هزینه‌های پایین حمل‌ونقل، از واردات محصولات کشاورزی ایران منفعت می‌برند. این مزیت اقتصادی، تلاش‌های تحریمی برای قطع این تجارت را با چالش مواجه می‌کند.

نزدیکی جغرافیایی ایران به کشورهای منطقه هزینه‌های حمل‌ونقل را کاهش می‌دهد ریسک فسادپذیری محصولات کشاورزی را نیز به حداقل می‌رساند. این مزیت رقابتی کشورهای همسایه را به خرید محصولات کشاورزی از ایران ترغیب کرده و وابستگی آن‌ها به منابع گران‌قیمت اروپایی و آمریکایی را کاهش داده است. در نتیجه، اگرچه کمپین‌های تحریمی ممکن است فرایند صادرات را دشوار کنند، اما بعید است بتوانند آن را به‌طور کامل متوقف کنند.

آمریکا فعال مایشا نیست

سیاست‌های تحریمی ایالات متحده، تنها به ایران محدود نشده و دامنه آن به سایر کشورها، از جمله اعضای گروه بریکس، نیز گسترش یافته است. دونالد ترامپ اخیراً کشورهای عضو بریکس را تهدید کرد که در صورت اقداماتی مانند ایجاد ارز جدید که ارزش جهانی دلار را تضعیف کند، با تعرفه‌های سنگین بر واردات کالاهای آن‌ها مواجه خواهند شد. این تهدید، با واکنش تند رئیس‌جمهور برزیل، لولا داسیلوا مواجه شد. او در اظهاراتی صریح اعلام کرد که «ترامپ امپراتور جهان نیست» و برزیل تسلیم فشارهای آمریکا برای تبعیت از دلار نخواهد شد. داسیلوا همچنین تأکید کرد که برزیل دیگر مانند گذشته به آمریکا وابسته نیست و به هیچ‌کس اجازه نمی‌دهد سیاست‌های اقتصادی‌اش را دیکته کند.

این ترامپ دستور اعمال تعرفه ۴۰ درصدی بر واردات کالاها از برزیل را امضا کرد. این مقاومت، تنها به کشورهای بریکس محدود نشده است. حتی متحدان سنتی آمریکا، مانند فرانسه و کانادا نیز در برابر سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه واکنش نشان داده‌اند. این وضعیت، نشان‌دهنده کاهش نفوذ سیاست‌های تحریم آمریکاست که در آن کشورهای مختلف، از جمله ایران، می‌توانند از فرصت‌های ایجادشده برای تقویت جایگاه خود استفاده کنند.

نقش اپوزیسیون ایرانی در پیشبرد کمپین‌های تحریمی

اپوزیسیون ایرانی که در سال‌های اخیر بارها در دستیابی به اهداف خود ناکام مانده، اکنون به یکی از ابزارهای اصلی غرب در پیشبرد کمپین‌های تحریمی علیه ایران تبدیل شده است.

با این حال، این کمپین‌ها نیز مانند تلاش‌های پیشین اپوزیسیون، با چالش‌های جدی مواجهند. در سال ۱۴۰۱، اپوزیسیون با راه‌اندازی آشوب‌های خیابانی و مطالبه اخراج سفرای ایران از کشورهای غربی، تلاش کرد تا ایران را در انزوای دیپلماتیک قرار دهد. اما این تلاش‌ها به نتیجه نرسید در تیر ۱۴۰۴، اقدامات نظامی علیه ایران نیز با شکست مواجه شد. این ناکامی‌ها، اپوزیسیون را به سمت اتخاذ استراتژی‌های جدید، مانند هدف قرار دادن صادرات کشاورزی ایران سوق داده است.

در حوزه ورزش نیز، اپوزیسیون تلاش کرد با تحریم ورزش ایران، همبستگی ملی در کشور را تضعیف کند. اما ورزشکاران ایرانی با عملکرد موفق خود، نه‌تنها این کمپین را خنثی کردند، بلکه پیوند مردم ایران با ورزش ملی را تقویت کردند.